

## معناشناسی سازمان با رویکرد قرآنی\*

سید صمصام الدین قوامی\*\* و علیرضا نوبری\*\*\*

### چکیده

در روزگار کنونی بر اثر پیچیدگی روابط انسانی، سازمان که عبارت کوتاه شده شرکت‌ها، کارخانه‌ها، وزارتخانه‌ها و دانشگاه‌ها و... است نقش کلیدی در نوع روابط و بالتبع در نوع شکل‌گیری شخصیت انسان دارد. شناخت قیود و عوارض ذاتی تأثیرگذار در ماهیت سازمان چشم‌انداز روشنی را برای برنامه‌ریزی و بهره‌گیری از توانمندی‌های سازمان ایجاد می‌کند. از آنجا که سازمان بر اساس هر مکتب فکری تعریفی خاص را ایجاد می‌کند، در این پژوهش به شناخت قیود تعریف سازمان از نگاه قرآن پرداخته شده است. برای این منظور از آیات ناظر به سازمان الهی نظام‌یافته و برخی روایات توضیح‌دهنده استفاده شده است. با توجه به رویکرد قرآن به انسان و روابطش، تعریف سازمان از این منظر با دیگر مکاتب تفاوت ماهوی دارد که در ضمن تبیین قیود آن بر اساس آیات به آن اشاره شده است. در این رویکرد کارکنان، رهبر سازمان و فضای مورد نیاز شکل‌گیری سازمان الهی لزوماً دارای قیودی از جمله ایمان است و وجود فضایی با ساختار معنویت قدسی ضروری دانسته شده است.

واژگان کلیدی: قرآن، سازمان، سازمان الهی، معناشناسی.

---

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۲ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۹/۲۵.  
\*\* مدرس حوزه و محقق مدیریت اسلامی: nakhl\_e\_shahdadyahoo.com  
\*\*\* عضو هیئت علمی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول): a.nobari@ut.ac.ir

## مقدمه

در روزگار کنونی زندگی انسان دچار پیچیدگی‌های رفتاری زیادی شده است. وجود مشاغل سیستمی با نام سازمان، الگوهای رفتاری خاصی را به جامعه دیکته کرده است؛ به گونه‌ای که عدم بازشناسی و تحلیل مناسب از فرایند اجتماعی سازی سازمانی می‌تواند روند رشد و تعالی فطرت‌گرایی آدمی را کند یا حتی مختل نماید. وجود فعالیت‌های پژوهشی در حوزه سازمان از سوی دانشمندان غربی و پذیرش نتایج آن از سوی دانشمندان اسلامی، عدم توانمندی منابع اسلامی را در تبیین فاکتورهای تأثیرگذار سازمان تداعی می‌کند. پژوهش حاضر پس از مطالعه منابع دین‌شناخت و با تمرکز بر موضوع سازمان و بازشناسی عوامل مؤثر در مفهوم آن، به منظور تبیین مفهومی سازمان با رویکرد دینی تنظیم می‌گردد تا نشان دهد دین فطری که عهده‌دار تنظیم رفتار انسان با هدف تعالی معنوی است، چه دیدگاهی درباره سازمان و عوامل کلیدی آن دارد؛ بنابراین، پرسش این پژوهش ناظر به چیستی مفهوم سازمان و شناسایی قیود ذاتی آن در نگاه اسلام است که بعد از بررسی و تحلیل ادله قرآنی و روایی و برخی منابع اسلامی، مفهومی متفاوت با تعاریف موجود را به دست می‌دهد.

## سازمان<sup>[۱]</sup>

سازمان‌ها که عبارت کوتاه شده شرکت‌ها، وزارتخانه‌ها، کارخانه‌ها، دانشگاه‌ها و بیمارستان‌ها و... هستند؛ جامعه امروزی را تشکیل می‌دهند؛ بنابراین، جامعه امروزی جامعه سازمانی است. بیشتر عمر انسان‌ها در چنین جامعه‌ای در سازمان‌ها سپری می‌شود. کودک در سازمانی به نام زایشگاه متولد می‌شود و بیشتر عمر خود و سال‌های رشد خود را در سازمانی به نام مدرسه می‌گذراند و پس از آن در سازمان‌های مختلف دولتی یا خصوصی مشغول کار می‌شود (ا.ج. هال، سازمان، ۱۳۷۶: ۱-۳).

افراد جامعه بیشتر عمر خود را یا در سازمان کار می‌کنند یا با سازمانی در ارتباط هستند. در یک سازمان خدمات ارائه می‌دهند و از ده‌ها سازمان خدمات می‌گیرند. هر سازمان با انجام وظایف مختلف، هدف‌های متفاوتی را برای جامعه و مردم به انجام می‌رسانند. این هدف‌ها بسیار پیچیده‌تر از آن است که توسط یک فرد یا گروه کوچکی انجام گیرد. تشکیل سازمان‌ها در جامعه بشری برخاسته از طبیعت زندگی جمعی انسان است. بحث از سازمان به مطالعه این موضوع می‌پردازد که ماهیت سازمان چیست؟ چه عواملی در کارآمدی آنها مؤثر است؟ و از

نگاه دینی می‌توان این پرسش را داشت که با وجود گستردگی حضور افراد در این مراکز از یک سو و ضرورت هدایت انسان از طرف خدای متعال از سوی دیگر آیا خدا به مقوله سازمان و نوع تعامل و کارکرد آن توجه داشته است؟

در علم مدیریت و جامعه‌شناسی، سال‌ها توجه دانشمندان به چیستی سازمان و چگونگی کارآمد کردن آن معطوف بوده است، این امر باعث شده است که برای سازمان تعاریف متعدد و نظریه‌های گوناگونی ارائه شود تا شناخت جامع و واقع‌بینانه‌ای از آن به دست آید.

### تعریف سازمان در مطالعات غیر اسلامی

از سازمان تعاریف متعددی از سوی صاحب‌نظران مدیریت ارائه شده است. در ذیل به برخی از این تعاریف اشاره می‌شود. برخی تعریف ذیل را براساس رویکرد کلاسیک به سازمان که محصول سه طرز فکر در مورد سازمان است (یعنی بورکراسی، نظریه اداری و مدیریت علمی) ارائه داده‌اند.

سازمان ساختاری از روابط قدرت، اهداف، نقش‌ها، فعالیت‌ها، ارتباطات و عوامل دیگر است که بین افرادی که با یکدیگر به صورت گروهی کار می‌کنند، وجود دارد (هییکس و گولت، تئوری‌های سازمان و مدیریت، ۱۳۸۶: ۱/۱۲۰).

این تعریف که براساس تجمیع سه رویکرد بورکراسی (که نظام بایدی به سازمان و سیستم اداری دارد) نظریه اداری (که از طرف مدیران ارائه شده است) و مدیریت علمی تیلور تنظیم شده است، با توجه به آن است که هر سه جریان بر تخصص و ساخت سازمان براساس سلسله مراتب و وظیفه استوار است. (همان، ۱۶۲/۱)

بارنارد<sup>[۲]</sup> (۱۹۳۸م.) سازمان را سیستمی از نیروها یا فعالیت‌های شخصی می‌نامد که آگاهانه هماهنگ شده‌اند و آن را سیستمی از فعالیت‌های مرتبط به یکدیگر می‌نامد. دیوس<sup>[۳]</sup>

(۱۹۵۱م.) نیز سازمان را گروه یا گروه‌هایی از افراد می‌نامد که برای دستیابی به یک هدف تحت ریاست یک رهبر همکاری می‌کنند (ال.تاسی، تئوری‌های سازمان، ۱۳۸۸: ۵/۱). سازمان از نگاه خردگرایان چنین تعریف می‌شود: «سازمان‌ها مجموعه‌هایی متمایل به تعقیب هدف‌هایی نسبتاً مشخص هستند و از ساختارهای اجتماعی با قالب‌هایی نسبتاً متشکل برخوردارند» (رحمان سرشت، تئوری‌های سازمان و مدیریت، ۱۳۷۷: ۱/۳۴-۳۶). این تعریف علاوه بر وجوه متمایز سازمان‌ها بر ساختار هنجاری یعنی ساختاری که با بایدها سروکار دارد، نیز تأکید می‌کند.

سازمان از دو نگاه دیگر یعنی سیستم طبیعی و سیستم‌های باز نیز تعاریف جدیدی به خود گرفته است. در تعریفی که از نگاه سیستم طبیعی به سازمان شده است، چنین آمده است: سازمان‌ها مجموعه‌هایی با اعضایی که مشترکاً به ادامه بقای مجموعه خود علاقه‌مند هستند، به شمار می‌آیند. اعضا از طریق کار با یکدیگر و ساختار غیررسمی که پیدا می‌کنند، به سوی مقصد خود قدم برمی‌دارند (همان).

بارنارد نیز از نگاه سیستم‌های باز چنین تعریفی را از سازمان ارائه می‌دهد: «سازمان رسمی، اشتراک مساعی آگاهانه، انتخابی و هدفدار بین افراد است» (اسکات، سازمان‌ها، ۱۳۸۷: ۴۴).

نکته جالب توجه در این تعاریف که با سه رویکرد متفاوت به سازمان ارائه شده است، این است که صاحب‌نظرانی که سازمان را با نگرش خردگرایانه تعریف کرده‌اند، بر ساختار هنجاری تأکید خاصی دارند هر چند ساختار رفتاری را نیز از نظر دور نمی‌دارند و دانشمندی که با نگرش طبیعی به تعریف سازمان پرداخته‌اند، آن را موجودی زنده تصور نموده‌اند که مانند دیگر موجودات زنده همیشه بقا و حیات آنها در درجه اول اهمیت قرار دارد. کسانی که با نگرش سیستم‌های باز به آن نگرسته‌اند، به جای تأکید بر ساختارهای هنجاری یا رفتاری، توجه خود را عمدتاً به رابطه سازمان با محیطی که پیرامون آن قرار دارد، معطوف ساخته‌اند (رحمان سرشت، تئوری‌های سازمان و سرشت: ۳۳ / ۱).

از مهم‌ترین اشکالات قابل ذکر بر تعاریف یاد شده آن است که در هیچ‌کدام از تعاریف، معنویت به عنوان رکنی از ارکان سازمان مورد توجه قرار نگرفته است، در حالی که در چند دهه اخیر، حضور معنویت در سازمان امری انکارناپذیر دیده شده و تلاش‌های گسترده‌ای در سامان دادن جایگاهی برای آن در سازمان صورت گرفته است.

## ۱۰۶ سازمان در اسلام و قرآن

برای روشن شدن جایگاه سازمان در تفکر اسلامی - قرآنی علم مدیریت، لازم است به مواردی اشاره گردد که می‌تواند ادله این موضوع باشد. با مروری در منابع دینی که با رویکرد مدیریتی و با عنایت به موضوع سازمان انجام گرفت، سازمان با ادله مختلف دینی قابل اثبات است. این ادله عبارت است از:

۱- آیات قرآن کریم؛

- ۲- تأکید بر ضرورت وجود حکومت و حاکم در روایات؛ این تأکید مبتنی بر بدیهی دانستن تقسیم کار و تشکیل سازمان است.
- ۳- تبیین مفهوم امامت به عنوان نظام مسلمانان در روایات، این عنوان ناظر به تشکیلاتی بودن مفهوم امامت است.
- ۴- ضرورت اجرای حدود در نظام سیاسی اسلام؛
- ۵- تأکید بر نظم؛ توجه به گسترش و تنوع ممالک اسلامی، وجود سازمان‌های مختلف را برای تحقق نظم ضروری می‌کند.
- ۶- تبیین ویژگی‌های سازمان در روایات بدون ذکر نام سازمان.
- این ادله را می‌توان ذیل دو عنوان ادله قرآنی و روایی چنین توضیح داد:

#### ۱- دلایل قرآنی

از آیات مهم در این باره آیه: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِيُعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذَنَ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرَ لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (نور/۶۲) است.<sup>[۴]</sup>

این آیه شریفه با توجه به محوریت ساختار «امر جامع» و معیت صحابه با رسول خدا ﷺ در شکل‌گیری امر جامع، دربرگیرنده نکات مهم و اساسی در معرفی سازمان الهی و ساختار آن و عناصر تشکیل‌دهنده آن است.

واژه «امر» دارای معانی و کارکرد متفاوتی است که حاصل جمع آنها معنای طلب و تکلیف همراه با استعلا می‌باشد. این معنای کلی بر هر آنچه مطلوب و مورد توجه باشد، اطلاق می‌شود.

۱۰۷

آنچه این واژه را از دیگر واژگان هم افق جدا می‌کند، قید استعلا و طلب است (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۳۷۴: ۱/۱۴۴) گرچه در کتاب‌های لغت موارد استعمال متعددی مانند نما، برکت، معلم، عجب، شأن و ... (ابن فارس، معجم المقایس اللغة، ۱۴۰۴: ۱/۱۳۷) برای معنادهی این واژه ذکر شده است، آنچه حاصل تحلیل این معنای است، محوریت طلب و تکلیف همراه با استعلا می‌باشد.

## نکات آیه

- ۱- گرچه موضوع آیه مباحث نظامی است، با توجه به عمومیت لفظ «امر جامع» می‌توان از آیه، در مواردی که لزوم اجتماع با محوریت رهبری دارند نیز بهره جست (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۵/۱۶۶)؛ چرا که مورد، مخصص نیست.
- ۲- ترکیب «امر جامع» ترکیب صفت و موصوفی است؛ بنابراین بر عدم تحقق امر بدون جمع دلالت می‌کند.
- ۳- همان گونه که از معنای امر به دست آمد، این واژه بار حکومتی خاصی دارد و در مواردی نیز در قرآن کریم با توجه به معنای مدیریتی آن به کار رفته است (نساء/۸۴).
- ۴- آیه شریفه ویژگی‌هایی را برای «امر جامع» برمی‌شمرد که دربرگیرنده احکام وضعی و تکلیفی است؛ مانند لزوم معیت اعضا و کارکنان با رئیس سازمان که حکمی وضعی است. این حکم وضعی خود دربرگیرنده احکام تکلیفی مانند حرمت لواذ (حرمت زیر کار در رفتن) است. با این بیان مشخص می‌شود «امر جامع» طرح شده در آیه، دارای شخصیتی حقوقی است که احکام مناسب خود را به دنبال دارد.
- ۵- با توجه به صدر آیه که ایمان را مشروط به ایمان به خدا و رسول می‌کند، در واقع، شرایط عضویت در سازمان الهی را باز می‌شناساند. با توجه به تعبیر «رسول» در آیه، که به رهبر سازمان ناظر است، ایمان و اعتقاد به ولایت فقیه که در طول رهبری رسول الله ﷺ در ساختار حکومتی اسلامی قرار دارد، استفاده می‌شود.
- ۶- از تعبیر «فاذن لمن شئت» استفاده می‌شود که رهبر سازمان - رسول - می‌تواند احکام خاص را صادر کند.
- ۷- از نکره بودن «امر جامع» شمول و عمومیت استفاده می‌شود؛ لذا از آن همه سازمان‌های مورد نیاز جامعه قابل استفاده است.
- ۸- «اذن دادن» قانون چگونگی مدیریت سازمان الهی را نشان می‌دهد؛ بنابراین، سازمان الهی به صورت دیکتاتوری اداره نمی‌شود، بلکه احکام باید برگرفته از منابع دینی و الهی باشد.
- ۹- معیت با رسول در سازمان الهی موضوعیت دارد؛ یعنی هر کس باید در پست تخصصی خود باشد. با توجه به حکیم بودن رسول (رهبر سازمان) که از تعبیر «شئت» به دست می‌آید، مشخص می‌شود در سازمان الهی ورود و خروج‌ها نیز براساس نیازسنجی و حکمت صورت می‌گیرد.

- ۱۰- از تعبیر «شاء» اختیار مسئول سازمان الهی در مدیریت سازمانی به دست می‌آید.
- ۱۱- از واژه «رسول» علم و دانش دینی و تخصصی سازمانی به دست می‌آید که از مشخصه‌های رئیس سازمانی در نظام اسلامی است؛ چه اینکه اگر تخصص و دانش کافی نباشد اذن دادن را بر عهده رئیس نهادن معنای دفاعی‌پذیری ندارد.
- ۱۲- رسول افزون بر بشر بودنش سه شأن دارد: نبوت یعنی گرفتن خطاب الهی، قضاوت و حکومت. امر جامع بیان شأن حکومتی رسول است که مقتضای امر می‌باشد.
- ۱۳- تعبیر «لمن شئت» در چارچوب اختیارات سازمانی است.
- ۱۴- «اذن» کلید واژه است. اذن حاکم همان مصوبه‌هاست. عضویت‌ها نیز باید به اذن رئیس باشد که مشروعیت عملکرد عضو و کارکنان را به اثبات می‌رساند.
- ۱۵- با توجه به تعبیر «استغفر لهم» که توجه رئیس سازمان را به تعالی و رشد معنوی کارکنان می‌رساند، مشخص می‌شود در سازمان الهی معنویت از مقومات شکل‌گیری سازمان است؛ چرا که استغفار رئیس برای کارکنان، نماد رفتار و فرهنگ سازمان الهی است.
- ۱۶- به کارگیری باب استفعال در غفران خواهی به جای «اغفر» نشان‌دهنده آن است که حاکم اصلی در سازمان الهی، خداست.
- ۱۷- رسول کسی است که خبر را می‌رساند و نبی کسی است که خبر را می‌گیرد (مکارم، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۳/ ۹۱ و ۱۴/ ۱۴۴). پس مقدمه رسول بودن آن است که خبر را گرفته باشد؛ بنابراین، فردی که وظیفه رسول را در سازمان ایفا می‌کند، ضرورت دارد قبلاً از دستورات دین الهی آگاه باشد؛ لذا روشن می‌شود که علم ویژه (علم دین و فقه) شرط اساسی رهبر سازمان الهی است.
- ۱۸- با توجه به صدر آیه بعد، چون دستورات رسول - رهبر سازمان الهی - منشأ وحیانی دارد، سرپیچی از آن باعث ایجاد فتنه می‌گردد؛ یعنی باعث شکل‌گیری از هم‌گسیختگی در سازمان است؛ به همین سبب، مورد نهی قرار گرفته است.
- ۱۹- عضویت در سازمان همان معیت است که حکمی وضعی است.
- ۲۰- بعد از عضویت، معیت شکل می‌گیرد که با توجه به آیه آخر سوره فتح، ویژگی‌های اعضا مشخص می‌گردد.
- ۲۱- ذیل آیه بعد به منظور استدراک و جبران نقص در گزینش با شرط ایمان است. پس اگر در گزینش، افرادی غیر مؤمن یا فاسق وارد سازمان شوند، خدا جبران می‌کند.

با توجه به تناسب آیه آخر سوره فتح با مباحث سازمان الهی، ضرورت دارد نکات سازمانی این آیه نیز استخراج گردد. خداوند در این آیه می‌فرماید: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ (فتح / ۲۹).<sup>[۵]</sup>

این آیه با توجه به تصریح به رهبر سازمان و شناساندن اعضای آن، تناسب روشنی با مباحث سازمان الهی دارد. در ذیل نکاتی از آیه که ناظر به مباحث سازمان است، بیان می‌شود:

۱- رهبر سازمان رسول خدا است؛ یعنی دستورالعمل سازمان الهی مبتنی بر وحی و دستورات خداست. پس ضروری است رهبر سازمان الهی آگاهی لازم را نسبت به دستورات الهی داشته باشد و قوانین مندرج در سازمان باید برگرفته از وحی باشد.

۲- «اشدءاء»: یعنی سازمان نسبت به محیط و تهدیدهای اطراف حساس باشد و افراد و اعضا نیز باید نسبت به آن حساسیت نشان دهند. همچنین این واژه می‌رساند که لازم است سازمان به عنوان یک شخصیت حقوقی به گونه‌ای باشد که شدت و استحکام را توسط برنامه‌ریزی منطقی داشته باشد.

۳- «رحماء»: به جاذبه‌های میان فردی سازمان اشاره دارد. این مطلب ناظر به راهکار استمراریت در سازمان است.

۴- «رحماء»: جمع رحیم است که نظریه مدیریت رحمانی یعنی مدیریت با محوریت فرهنگ رحمت در سازمان را مورد تأکید قرار می‌دهد.

۵- قید «بینهم»: ناظر به بینونت اعضای سازمان است که چگونگی رفتار سازمانی را می‌رساند.

۶- نوع رفتار سازمانی نسبت به محیط بیرون و سازمان‌های دیگر با توجه به دو قید رحماء و اشدءاء مشخص می‌گردد.

۷- کفار ذمی در سازمان الهی مشمول فرهنگ رحمت سازمانی است. البته با توجه به عمومیت «رحماء» می‌توان چنین برداشت نمود که رحمت رحمانی شامل کفار ذمی می‌شود و رحمت رحیمی مخصوص مؤمنین می‌باشد. در واقع، استثنای این دسته از کفار از عمومیت «اشدءاء علی الکفار» آنها را در فضای رحمت الهی سازمان قرار می‌دهد، ولی با توجه به تنوع رحمت سازمانی، قدر متیقن از شمول رحمت نسبت به آنها همان رحمت رحمانی است.



۸- آیه با توجه به قید «وجوه» به معنای صورت‌ها و ظاهر و قید «سیما» به معنای علامت، بیان می‌دارد که در ظاهر اعضای سازمان بر اثر عملکرد الهی آنها، نشانه‌های معنوی شکل گرفته است؛ یعنی آثار عبادت و رفتارهای معنوی اعضای سازمان در چهره و ظاهرشان نمایان می‌شود. معنویت در رفتار اعضای سازمان الهی به صورت محوری مورد توجه است. توضیح اینکه همیشه از اثر پی به مؤثر می‌بریم؛ بنابراین، بر اثر عملکرد رفتار سازمانی اعضای سازمان الهی باید به مؤثر اصلی آن یعنی خدای رحمان، پی ببریم. مراجعه‌کننده باید درک کند این سازمان الهی است و با دیگر مراکز سازمانی متفاوت است. در واقع، خضوع پیوسته اعضای این سازمان در برابر رهبر الهی آن که از دو قید «رُكْعاً و سَجْدًا» قابل اصطیاد است، در رفتار آنها با دیگران نیز تبلور می‌یابد به گونه‌ای که مراجعه‌کنندگان متوجه آن می‌شوند.

۹- عملکرد این اعضا به گونه‌ای است که همه مراجعه‌کنندگان، الهی بودن آن را درک می‌کنند. این مطلب از بازتاب رفتار آنها در دیگر کتب الهی که در ذیل آیه به آن اشاره شده، فهمیده می‌شود.

۱۰- هدف در سازمان الهی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ یعنی سازمان الهی هدف محور است و هدف در آن رشد و تعالی اعضاست؛ بنابراین، هر سازمان اگر بخواهد الهی باشد، از اهداف کوچک آغاز می‌کند و با چشم‌اندازی فراگیر ادامه می‌دهد. این مطلب با توجه به قید «کزرع اخرج شطئه» به دست می‌آید؛ یعنی خود زرع مبارزه می‌کند و موانع را برطرف می‌کند و به سوی هدف طراحی شده حرکت می‌نماید.

۱۱- با توجه به آیات طرح شده، قیودی مانند ایمان، رشد و تعالی، گروهی کار کردن، هدفمند بودن، رهبری الهی و عالم نسبت به دستورات عمل‌های الهی در مفهوم و تعریف سازمان الهی دخالت دارد.

## ۲- ادله روایی

روایات ناظر به موضوع سازمان فراوان است. در اینجا به چند مورد اشاره می‌شود. در برخی از روایات که به تبیین و معرفی جایگاه امامت در جامعه اسلامی پرداخته شده، امامت به عنوان نظام مسلمانان شناسانده شده است.

عبدالعزیز بن مسلم نقل می‌کند هنگامی که با حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام به مرو رسیدیم، مردم در محل اجتماع روز جمعه اطراف ما جمع شدند و در مورد امامت و اختلاف

زیاد مردم نسبت به این موضوع سخن گفتند. من مطلب را به عرض امام رساندم. در این روایت حضرت ضمن باز شناختن منزلت و جایگاه رفیع مقام امامت در دین، در ادامه چنین فرمودند: «ان الإمامة زمام الدین و نظام المسلمین و صلاح الدنیا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۱۹۸).

در این بخش از روایت، مقام امامت به عنوان نظام بخش و سامان دهنده مسلمانان معرفی می شود؛ نظام بخشی که همراه با اصلاح دنیا در جامعه اسلامی است.

نظام از نظم به معنای منظم کردن و ردیف کردن است. نیز به معنای نخی است که مرواریدها یا هر چیزی شبیه آن را نظم می بخشد (فراهیدی، کتاب العین، بی تا: ۹۷۰). این معنا در روایتی ژرف از حضرت علی علیه السلام نیز آمده است که در آن به جایگاه ویژه امام در هماهنگ سازی اجتماع سخن رانده شده است: «مَكَانُ الْقِيَمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النَّظَامِ مِنَ الْخَرَزِ يَجْمَعُهُ وَيَضُمُّهُ فَإِذَا انْقَطَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ الْخَرَزُ وَ ذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِخِذْفِيرِهِ أَبَدًا» (سید رضی، نهج البلاغه، بی تا: خطبه ۱۴۶)<sup>[۶]</sup>؛ بنابراین، نظام مسلمانان به معنای هماهنگ ساختن و در ساختار مشخصی درآوردن آنها برای اصلاح و آسان کردن امور دنیایی آنهاست.

در مفهوم این واژه همکاری نیز وجود دارد (زبیدی، تاج العروس، ۱۴۱۴: ۱۷ / ۶۸۹)؛ یعنی نوعی همکاری که در امور مهم جامعه میان مسلمانان ایجاد می شود. با توجه به لغت شناسی واژه، مفهوم امامت دربرگیرنده تشکیلاتی عمل کردن جامعه اسلامی در پرتو شکل گیری امامت است. گستردگی این مفهوم و اهمیت سرعت در انجام امور مسلمانان تأیید کننده تشکیل سازمان در نهادهای مختلف امور اجرایی حکومت و جامعه ولایی است.

علاوه اینکه در نگاه سیستمی به اسلام، مفهوم نظم جایگاه ولایی را به خود اختصاص داده است. در سخنی ژرف از حضرت علی علیه السلام که در قالب وصایای آن حضرت به فرزندان ارجمند خود آمده است، نظم در کارها و اصلاح میان مسلمانان در کنار توصیه به تقوا مورد توجه قرار گرفته است: «اوصیکما و جمیع ولدی و اهلی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم امرکم و صلاح ذات بینکم فانی سمعت جدکما - علیه السلام - یقول: صلاح ذات البین افضل من عامه الصلاة و الصیام» (سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۴۷).

تأکید حضرت به ایجاد نظم در جامعه اسلامی با توجه به مخاطبان ویژه این توصیه، در کنار کارکرد این نظم دهی یعنی «اصلاح ذات بین» و تأکید آن با استشهاد به سخنی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نشان از اهمیت جایگاه نظم و انتظام بخشی در جامعه انسانی دارد. این دستور با توجه به گستردگی مملکت اسلامی، تنظیم امور را در قالب سازمان های مجزا به اثبات می رساند.

دلیل دیگر که بر اهمیت و ضرورت تشکیل سازمان در منابع اسلامی می‌توان ارائه نمود، سخنی از آن حضرت است که ضمن مردود دانستن استدلال خوارج مبنی بر اینکه شعار «لا حکم الا لله» به معنای «لا حکومت الا لله» است، تأکید می‌کند که در جامعه، به ناچار باید امیری حکومت کند حتی اگر آن امیر، فاجر و غیر الهی باشد: «قال ﷺ: كَلِمَةٌ حَقٌّ يَرَادُ بِهَا الْبَاطِلُ نَعْمُ، إِنَّهُ لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ وَ لَكِنَّ هَؤُلَاءِ يَقُولُونَ لَا إِمْرَةَ إِلَّا لِلَّهِ وَ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ» (همان، خطبه ۴۰).<sup>[۷]</sup>

تأکید حضرت به ضرورت وجود حکومت برای انتظام بخشی به جامعه و ایجاد نظم در آن، حتی در موردی که حاکم الهی هم وجود نداشته باشد، نشان از جایگاه ویژه نظم در انجام امور اجتماعی و عدم توقف کارها در هر زمان دارد. از آنجا که گستردگی نیازها لزوم تقسیم کار را در قالب سازمان‌های تخصصی موجب می‌گردد، می‌توان استنباط نمود که در نگاه حضرت آنچه اهمیت داشته، تشکیل نهادهایی ذیل حکومت برای تسهیل امور جامعه بوده است. این برداشت با توجه به ذیل روایت که به ذکر فواید حکومت می‌پردازد، استفاده می‌شود.

ذیل روایت مواردی نام برده شده که هر کدام به نهاد و سازمان خاصی در حکومت اشاره دارد؛ مانند: نیروی انتظامی برای امنیت راه‌ها، سازمان دادگستری، سازمان جهاد و امور خارجه، سازمان جمع‌آوری زکات و مالیات و ... .

این مضمون در روایات دیگری نیز آمده است. از این مجموعه، روایت فضل بن شاذان از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در مورد بیان علت‌های احکام و اصول دین در دین اسلام است. در بخشی از روایت، از علت قرار دادن «اولی الامر» در اسلام سؤال شده و حضرت در جواب به علل مهمی از جمله لزوم اجرای احکام و حدود اشاره کرده است که در صورت عدم اجرای آن، فساد دامن امت را می‌گیرد و اجرای آن نیز مترتب بر وجود حاکم و حکومت است (ابن بابویه قمی، علل الشرایع، ۱۳۸۶: ۱/۲۵۳).

تأکید حضرت بر ضرورت اجرای احکام و حدود الهی اگرچه توسط حاکم ستمکار صورت گیرد - از این مطلب دانسته می‌شود این موضوع از جمله وظایف مهم حکومت است - نشان از اهمیت رسیدگی به این گونه نیازهای اجتماع برای استمرار بخشی به نظم اجتماعی و دور نگه داشتن جامعه از بی‌نظمی و از هم گسیختگی دارد و ضرورت سهولت بخشی به انجام کارها را آشکار می‌سازد.

دلیل دیگر بر وجود سازمان در نظام سیاسی اسلام، تبیین ویژگی‌های سازمان در روایات و شکل‌گیری ساختار سازمان در زمان حکومت نبوی و علوی است. از این موارد به ذکر دو نمونه بسنده می‌شود.

مورد نخست، تشکیل سازمان کاتبان وحی توسط پیامبر اکرم ﷺ است. گرچه به علت بساطت ارتباطات در آن دوره، شکل سازمان نیز از پیچیدگی امروزی به دور بوده است ولی تخصص‌گرایی و توجه به انجام امور توسط برخی، به منظور آزدسازی وقت دیگران برای پرداختن به امور دیگر از جمله بازخوردهای این گونه سازمان‌ها در آن زمان بوده است. مورد دیگر، تقسیم نظام حکومتی به خواص و عوام در نامه حضرت امیر علیه السلام به مالک اشتر است. در این نامه که به تنظیم ساختار حکومت و چگونگی رفتار حکومتی امر شده است، به سازمان‌های مهم حکومتی اشاره می‌کند و مراتب اهمیت آنها را گوشزد می‌نماید. در فرازی از آن آمده است: «و بدان که رعیت متشکل از طبقاتی است که مصلحت زندگی بعضی از آنان تأمین نمی‌شود مگر با بعضی دیگر، و هرگز با قسمتی از آن طبقات نمی‌توان از قسمت دیگر بی‌نیاز گشت» (سیدرضی، نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

حضرت ذیل این فراز، نهادها و سازمان‌های مختلفی را مانند سازمان لشکری، دفتری، دادگستری، شوراهای حل اختلاف، مالیات‌گیران، سازمان اقتصادی و صنعتگری نام می‌برد و بر ضرورت وجود آنها تأکید می‌کند. چرا که نبود هر کدام از این سازمان‌ها، عامل هرج و مرج در رسیدگی به نیازهای جامعه و رکود رشد اجتماع خواهد بود. علاوه بر روایات پیش‌گفته می‌توان به روایاتی که به کارهای جمعی و برکات موجود در کار جمعی اشاره دارند نیز استدلال نمود، ولی به علت گستردگی بحث تبیین آنها نیازمند نوشتاری مستقل است؛ لذا به همین مقدار از ادله بسنده می‌شود.

### تعریف نهایی از سازمان الهی

از آنچه درباره سازمان و ضرورت آن در آیات و روایات گفته شد، می‌توان سازمان را در نگاه قرآنی که آن را سازمان الهی می‌نامیم، چنین تعریف کرد:

«سازمان الهی عبارت از مجموعه‌ای متشکل از اعضای مؤمن با رهبری فردی آگاه به مبانی و دستورالعمل‌های الهی است که برای رسیدن به اهداف مشخص و با محوریت معنویت و تعالی بخشی اعضا به فعالیت می‌پردازد».

در ادامه برای روشن ساختن پیشینه مباحث سازمان و اهمیت آن در منابع اسلامی به سخنی از ابن هندو که در سرآغاز کتاب «مفتاح الطب و منهاج الطالب» به منظور تقسیم علوم و ضرورت شکل‌گیری سازمان آورده، اشاره می‌کنیم.

ابن هندو نخست به نظریه دانشمندان گذشته مبنی بر تقسیم عالم به موجود زنده؛ یعنی آنچه کاری انجام می‌دهد یا از چیزی تأثیر می‌پذیرد، اشاره می‌کند و بیان می‌دارد آنچه نه کاری انجام دهد و نه متأثر از فعالیتش شود، معدوم نام دارد. در ادامه به فعالیت‌های انسانی اشاره دارد و آن را به چند حالت تصویر می‌کند. او می‌گوید:

حال کارهایی که انسان انجام می‌دهد، چند حالت دارد:

۱- آنهایی که با چهارپایان مشترک‌اند؛ مانند خوردن، آشامیدن، دریدن، فریاد زدن و هر آنچه ممکن است از انسان یا غیرانسان صادر گردد.

۲- آن کارهایی که انسان با ملائکه مشترک است؛ مانند استفاده از علوم و انجام کارهای نیک و هر کاری که به تعقل و تفکر نیازمند است.

وی دسته نخست را چنین توصیف می‌کند که در رشد و تعالی انسان هیچ دخالتی ندارد و انسانیت انسان را نمی‌سازد، بلکه با انجام آنها انسان در همان حالت حیوانیت باقی می‌ماند. دسته دوم را نیز به دو قسم تقسیم می‌کند:

... و از طرفی کارهای عقلانی خود دو گونه است: یکی آنکه وقوعش از هر انسان سلیم- الفطره‌ای ممکن است و نیازمند ممارست و تجربه نیست؛ مثل: دوختن شکاف لباس یا بستن پارچه روی زخم. در این نوع کار نیز برای انسان مزیتی نیست چرا که همه عاقلان در انجامشان مشترک‌اند. نوع دوم افعالی است که انجامشان به ممارست و تکرار و یادگیری بستگی دارد. این نوع نیز خود به دو دسته تقسیم می‌شود: یکی آنکه برای ساکنان شهرها منفعت دارد... و دیگر اینکه هیچ منفعتی و ثمره‌ای در انجامشان وجود ندارد؛ مانند: مهارت انسان در بالا رفتن از درخت بلند و امثال آن.

ابن هندو تقسیم کارها را در یک سیستم منظم به منظور رفع نیازهای جامعه یک ضرورت مهم در شهرنشینی می‌داند و تنها انجام این امور را عامل شرافت انسان نسبت به افراد ناآگاه از آن جا می‌داند. وی تأکید می‌کند که توسط همین گونه از کارهاست که انسان مطیع خدای خالق می‌شود و از صفت جور جدا شده و به برخی از امور سعادت‌ساز مختص انسان نائل می‌گردد.

ایشان شکل‌گیری کارها را در سیستمی مجزا مزیت عقل دانسته و هدف آفرینش انسان عاقل را نیز همین دانسته و آن را عامل سعادت دنیا و آخرت معرفی می‌کند. وی در توضیح مطلب و ضرورت ساختار سیستمی می‌نویسد:

خدا به اینکه یک فرد به تنهایی نمی‌تواند به این امور دست یابد بلکه هر کس نیازمند به تعاون و همکاری دیگران است، آگاه بود؛ بنابراین، انسان را مدنی بالطبع آفرید و در او اشتیاق به مأنوس شدن و زندگی اجتماعی و همکاری با دیگران قرار داد.

ایشان رفع نیازهای جامعه را موجب کمال و سعادت انسان معرفی کرده و تأکید می‌کند که «در این فضا برای همه افراد سعادت‌ی که به دنبال آن هستند، به دست می‌آید و به آن هدف نهایی خالق خود منتهی می‌شوند».

ایشان برای نشان دادن جایگاه نظام سیستمی و اهمیت آن، جامعه را به پیکر انسانی تشبیه می‌کند و اهمیت برخی کارها و سازمان‌ها را مانند اهمیت و جایگاه قلب، مغز و کبد در انسان می‌داند و بیان می‌کند که همان‌گونه که در بدن فرمانده یکی است و برخی کارها از اهمیت والایی برخوردار است و برخی اتمام‌ها گرچه در آن پیکر وجودشان ضروری است ولی از اهمیت کمتری برخوردارند مانند مو و ناخن. به همین نسبت، در جامعه نیز برخی سازمان‌ها مانند سازمان نظام سیاسی و نیروی انتظامی از اهمیت بیشتری برخوردارند (ابن هندو، مفتاح الطب و منهج الطالب، ۱۳۸۶: ۵۲). آنچه در این بیان طولانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چهار نکته ذیل است: یک: نظام سیستمی و ایجاد سازمان‌های مختلف در جامعه امری ضروری و موافق با فطرت اجتماعی انسان است.

دو: در ساختار سازمانی توجه به تعالی و معنویت و خدایی بودن کارها تأکید شده است. سه: افراد جامعه نباید نسبت به نوع کاری که انجام می‌دهند، احساس کوچکی و ناچیزی نسبت کار خود داشته باشند؛ چرا که در یک نظام‌واره اجتماعی همه کارها در جای خود دارای اهمیت و برطرف‌کننده یک نیاز اجتماعی است که به همان اندازه انسان را به تعالی و رشد می‌رساند.

چهار: در ساختار اسلامی جامعه و سازمان، معنویت، ذاتی آن است و شکل‌گیری سازمان مبتنی بر شکل‌گیری معنویت است.

### نتیجه

۱. قرآن نسبت به سازمان اهتمام ویژه دارد.
۲. سازمان در روایات مورد توجه قرار گرفته است.
۳. سازمان الهی دارای قیود ویژه و صرفاً با رویکردی تعالی‌جویانه تشکیل می‌گردد.
۴. معنویت قدسی از ارکان تفکیک‌ناپذیر سازمان الهی است.
۵. ضروری است رهبر سازمان الهی به معارف و داده‌های دین اسلام آشنا باشد و توانایی تحلیل و استنباط را داشته باشد.
۶. کارکنان این سازمان لزوماً در کنار تخصص باید دارای فاکتورهای ایمان مبتنی بر دین فطری باشند.

## پی‌نوشت‌ها

[1] Organization

[2] Barnard

[3] Davis

[۴] «مؤمنان تنها کسانی هستند که به خدا و فرستاده‌اش ایمان آورده‌اند، و هنگامی که در کار اجتماعی همراه او باشند تا از او رخصت نگیرند (از نزدش) نمی‌روند. در واقع، کسانی که از تو رخصت می‌گیرند، کسانی هستند که به خدا و فرستاده‌اش ایمان می‌آورند. پس هر گاه برای بعضی کار (های مهم زندگی) خود از تو رخصت می‌طلبند، پس به هر کس از آنان که (صلاح می‌دانی و) ...».

۵. «محمد ﷺ فرستاده خداست و کسانی که با او هستند بر کافران سخت‌گیر (و) در میان خود مهرورزند. آنان را رکوع‌کنان [و] سجده‌کنان می‌بینی، در حالی که بخشش و خشنودی‌ای از خدا می‌جویند. نشانه آنان در چهره‌هایشان از اثر سجده [نمایان] است. این مثال آنان در تورات است و مثال آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه‌اش را بیرون آورده، پس آن را تقویت کرده و محکم گرداند، پس بر ساقه‌های خود راست قرار گیرد، در حالی که کشاورزان را شگفت زده کند تا کافران را بخاطر آنان به خشم آورد! خدا به کسانی از آنان که ایمان آوردند و [کارهای] شایسته انجام دادند، آمرزش و پاداش بزرگی را وعده داده است.».

۶ «مکان زمام‌دار دین و حکمران مملکت مانند رشته مهره است که آن را به هم گردآورده و پیوند می‌نماید. پس اگر رشته بگسلد، مهره‌ها از هم جدا شده و پراکنده می‌شوند؛ به گونه‌ای که هرگز جمع نگردند.».

۷. «سخن حقی است که از آن باطل اراده می‌شود. درست است: هیچ حکمی جز از ناحیه خدا نیست، اما آنها می‌گویند هیچ ریاست و حکومتی جز برای خدا نیست، در حالی که گریزی برای مردم از داشتن امیر چه نیکوکار یا بدکار نیست.».

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمدعلی رضایی اصفهانی و همکاران، قم: مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، ۱۳۸۳ ش.
۲. ال. تاسی، هنری، تئوری‌های سازمان، علی پارسائیان، تهران: ترمه، ۱۳۸۸ ش.
۳. ابن بابویه قمی، محمد بن علی، علل الشرایع، قم: کتابفروشی داوری، ۱۳۸۶ ق.
۴. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، محقق عبد السلام محمد هارون، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۵. ابن هندو، علی بن حسین، مفتاح الطب و منهاج الطالب، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۸ ش.
۶. اچ هال، ریچارد، سازمان: ساختار، فرآیند و ره‌آوردها، علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۶ ش.
۷. اسکات، ریچارد، سازمان‌ها: سیستم‌های عقلایی، طبیعی و باز، ترجمه و اقتباس دکتر حسن میرزایی اهرنجانی، تهران: سمت، ۱۳۸۷ ش.
۸. رحمان سرشت، حسین، تئوری‌های سازمان و مدیریت از نوین‌گرایی تا پسا نوین-گرایی، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشارات فن و هنر، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
۹. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۱۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۱۴. سید رضی، محمد بن حسن، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم: دارالهجره، بی‌تا.
۱۵. هیکس، هربرت جی و سی. ری. گولت، تئورهای سازمان و مدیریت، ترجمه گوئل کهن، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۶ ش.
۱۶. زبیدی، سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، تصحیح علی مشیری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.